

Introduction Luke 12:15-21 on 1.10.23

Today, on Thanksgiving Day, we thank God for all that He gives us every day; this is what we live on. Negatively, this means that it is not good if we believe that everything good in our life comes from ourselves and that we alone are the masters of our life. It is not good if we are so self-centered and always want to have more, if we are greedy. Jesus tells us the parable of the rich landowner.

This story wants to encourage us to trust in God in everything we do and to count on his work. This difficult-looking parable will be further interpreted in the sermon.

مقدمه لوقا 12:15-21 در 1.10.23

امروز، در روز شکرگزاری، خدا را به خاطر همه چیزهایی که هر روز به ما می دهد شکر می کنیم. این چیزی است که ما با آن زندگی می کنیم. به طور منفی، این بدان معنی است که خوب نیست اگر باور کنیم که همه چیزهای خوب در زندگی ما از خودمان سرچشمه می گیرد و ما به تنهایی ارباب زندگی خود هستیم. اگر اینقدر خودمحور باشیم و همیشه بخواهیم بیشتر داشته باشیم، اگر حریص باشیم، خوب نیست. عیسی مثل صاحب زمین ثروتمند را به ما می گوید. این داستان می خواهد ما را تشویق کند که در هر کاری به خدا اعتماد کنیم و روی کار او حساب کنیم. این دیدگاه پیچیده در خطبه بیشتر تفسیر خواهد شد.

15. Then he said to them, ‘Watch out! Be on your guard against wanting to have more and more things. Life is not made up of how much a person has.’

16. Then Jesus told them a story. He said, ‘A certain rich man’s land produced a very large crop.

17. He thought to himself, “What should I do? I don’t have any place to store my crops.”

18. ‘Then he said, “This is what I’ll do. I will tear down my barns and build bigger ones. I will store my extra corn in them.

15. پس به مردم گفت: «به هوش باشید و از هر گونه حرص و آز پرهیزید، زیرا زندگی انسان به فزونی دارایی اش نیست.»

16. سپس این مثل را برایشان آورد: «مردی ثروتمند از زراعت خویش محصول فراوان حاصل کرد.

17. پس با خود اندیشید، “چه کنم، زیرا جایی برای انباشتن محصول خود ندارم؟“

18. سپس گفت: “دانستم چه باید کرد! انبارهای خود را خراب می‌کنم و انبارهایی بزرگتر می‌سازم، و همه گندم و اموال خود را در آنها ذخیره می‌کنم.

19. I'll say to myself, 'You have plenty of corn stored away for many years. Take life easy. Eat, drink and have a good time.' ”

20. 'But God said to him, "You foolish man! Tonight I will take your life away from you. Then who will get what you have prepared for yourself?"

21. 'That is how it will be for whoever stores things away for themselves but is not rich in the sight of God.'

19 آنگاه به خود خواهم گفتم: ای جان من، برای سالیان دراز اموال فراوان اندوخته‌ای. حال آسوده بزی؛ بخور و بنوش و خوش باش.“

20. اما خدا به او گفت: ”ای نادان! همین امشب جانت را از تو خواهند ستاند. پس آنچه اندوخته‌ای، از آن که خواهد شد؟“

21. این است فرجام کسی که برای خویشتن ثروت می‌اندوزد، اما برای خدا ثروتمند نیست.»

Glaubensbekenntnis zu Gott dem Vater

I believe that God created me with all creatures, gave me and still gives me body and soul, eyes, ears and all limbs, reason and all senses;

plus clothes and shoes, food and drink, house and yard, wife and child, fields, livestock and all goods; with all that is necessary for life and limb, providing for me abundantly and daily, protecting me in all dangers and guarding and preserving me from all evil; and all this out of pure fatherly, divine goodness and mercy, without any merit or worthiness on my part:

for all which I owe Him thanks and praise, and for which I owe Him service and obedience. This is certainly true.

من ایمان دارم به خدای پدر قادر مطلق، خالق آسمان و زمین. ایمان دارم که خدا مرا آفریده است به همراه دیگر مخلوقات و مرا جسم و روح، چشم و گوش و دیگر اعضاء، عقل و تمامی ضمائر عطا فرموده و در همه حال از آنها نگاهداری می نماید.

بعلاوه پوشاک و خوراک، نوشیدنی و منزل، زن و فرزند، زمین و دام و کل اموال و همه ی نیازها و غذای این بدن و زندگی مرا پر برکت و روزی مهمه صرفاً به وفور به من عطا فرموده. از کلیه ی خطرها مرا حفظ کرده و از همه ی زشتی ها بدور نگاه داشته، و این همه صرفاً از نیکی پدرانه ی خدایی و رحمانیت اوست، بدون اینکه من لیاقت و استحقاق این همه را داشته باشم.

به پاس این همه نیکی و نعمت که خداوند به من عطا فرموده، به جاست که مدیون به سپاسگذاری و تمجید او بوده و او را اطاعت و پرستش کنم. یقیناً این حقیقت محض است.

**Sermon for 1 October 2023
(Thanksgiving) on Luke 12,15-21**

Dear congregation!

1. What does the rich landowner do wrong? He is blessed with a rich harvest. He does not let the grain reserves rot but builds bigger barns. He is successful, enlarges his farm, creates new jobs. I think all that is good. I also think it is good to take a rest after a lot of work, to eat and drink nicely and to enjoy life.

**موعظه 1 اکتبر 2023 (شکرگزاری) در
لوقا 15، 12-21**

جامعه عزیز!

1. صاحب زمین ثروتمند چه غلطی می کند؟ او با یک محصول غنی برکت دارد. او اجازه نمی دهد انبارهای غلات پوسیده شوند، اما در عوض انبارهای بزرگتری می سازد. او موفق است، تجارت خود را گسترش می دهد، مشاغل جدید ایجاد می کند. به نظر من همه اینها خوب است. همچنین فکر می کنم خوب است که بعد از کار زیاد کمی استراحت کنید، خوب بخورید و بنوشید و از زندگی لذت ببرید.

2. What is the rich landowner doing wrong? He leads his life without God. He does not thank God for the particularly good harvest. He plans his life only for himself, as if God and his fellow man do not exist. It is already said in the Psalm from the Old Testament: "Unless the Lord builds the house, it is of no use that the builders labor." (Psalm 127:1bc) To receive blessings, to be gifted, to have prosperity is not an end in itself.

2. صاحب زمین ثروتمند چه غلطی می کند؟ او بدون خدا زندگی می کند. او خدا را به خاطر محصول خوب شکر نمی کند. او زندگی اش را فقط برای خودش برنامه ریزی می کند، انگار خدا و هموعانش وجود ندارند. قبلاً در مزمور عهد عتیق گفته شده است: "تا خداوند خانه را نسازد، تلاش سازندگان فایده ای ندارد." (مزمور 127: 1 bc) دریافت برکت، برخورداری از استعداد، داشتن ثروت یک امر نیست. غایت خود.

3. God does not give this so that people can live out their selfishness and feel great and better than others because they are rich. To be gifted, to live in prosperity, to be a boss for others is a service for God and people. You can also be proud of your fancy car and treat yourself to a nice vacation. But one should not make the calculation without God: He gives and takes away prosperity, gives and takes away life, we are dependent on Him.

3. خدا این را نمی دهد تا مردم بتوانند از خودخواهی خود زندگی کنند و احساس بزرگی و بهتری نسبت به دیگران داشته باشند زیرا آنها ثروتمند هستند. استعداد داشتن، در رفاه زندگی کردن، رئیس بودن برای دیگران خدمت به خدا و مردم است. می توانید به ماشین فانتزی خود افتخار کنید و تعطیلات خوبی را برای خود پذیرایی کنید. اما شما نباید بدون خدا حساب کنید: او مال می دهد و می گیرد، زندگی می دهد و می گیرد، ما به او وابسته هستیم.

4. In doing so, it is not a burden but a joy: to serve other people and God with one's gifts, with one's wealth. To thank God for His blessings and to ask Him for advice and help in the difficult decisions faced by entrepreneurs, politicians and scientists, for example. Many of them also see their work as a service and are happy when they do good to other people and thus serve God. However, those who only revolve around themselves with wealth and power and want to elevate themselves are missing out on life.

4. بار نیست، بلکه یک لذت است: با هدایای خود، با ثروت خود به دیگران و خدا خدمت کنید. از خداوند به خاطر نعمتش سپاسگزاری کنیم و از او برای تصمیمات دشواری که کارآفرینان، سیاستمداران و دانشمندان با آن روبرو هستند، نصیحت و کمک بخواهیم. بسیاری از آنها نیز کار خود را خدمت می دانند و وقتی به دیگران نیکی می کنند و در نتیجه به خدا خدمت می کنند خوشحال می شوند. با این حال، هرکسی که فقط با ثروت و قدرت به دور خودش می چرخد و می خواهد خود را افزایش دهد، زندگی را از دست می دهد.

5. What is the mood in Germany at the moment? When I look at what the media report about the mood in our country, I think: many native Germans feel overwhelmed. Perhaps they are personally overburdened: by too much stress at work, by inflation and too high prices, or even by illness and psychological problems.

5. حال و هوای آلمان در حال حاضر چگونه است؟ وقتی به آنچه که رسانه ها در مورد حال و هوای کشورمان گزارش می دهند نگاه می کنم، فکر می کنم: بسیاری از آلمانی های محلی احساس غرق شدن می کنند. شاید شخصاً غرق شده باشند: به دلیل استرس زیاد در محل کار، به دلیل تورم و گرانی، یا حتی به دلیل بیماری و مشکلات روانی.

6. My impression is that our German society also feels overwhelmed by climate change and migration. Many feel overwhelmed by, as they think, too many refugees who are now coming to Germany. "Our country is full", they think. Many politicians outdo each other in proposals on how to prevent and reduce migration: intercept the refugees already before Europe's borders, put them in closed camps here in Germany and deport as many as possible.

6. تصور من: جامعه آلمان ما نیز تحت تأثیر تغییرات آب و هوایی و مهاجرت احساس می کند. بسیاری از پناهجویان زیادی که اکنون به آلمان می آیند، احساس غرق شدن می کنند. آنها فکر می کنند "کشور ما پر است." بسیاری از سیاستمداران با پیشنهادهایی در مورد چگونگی جلوگیری و کاهش مهاجرت از یکدیگر پیشی گرفته اند: پناهندگان را در مرزهای اروپا رهگیری کنید، آنها را در اردوگاه های بسته در آلمان قرار دهید و تا حد امکان آنها را اخراج کنید.

7. As a pastor of a congregation with many refugees, I find what is being said terrible. Many of you would not be here in the church now if you had not had the chance to come to Germany. And even if in the end deportations rarely lead to the goal, I know what fears and stress the threat of deportation triggers. Above all, it must also be asked in relation to politics what God wants.

7. من به عنوان کشیش کلیسایی با پناهندگان زیاد، آنچه را که گفته می شود وحشتناک می دانم. اگر این فرصت را نداشتید که به آلمان بیایید، بسیاری از شما اکنون در کلیسا نبودید. و حتی اگر اخراج ها در نهایت به ندرت به هدف خود می رسند، می دانم که تهدید اخراج چه ترس و استرسی را ایجاد می کند. مهمتر از همه، وقتی صحبت از سیاست می شود، باید پرسیم که خدا چه می خواهد.

8. Does he really want that some people live at the expense of others, that we make a nice life for ourselves here in "Fortress Europe" and that other people in need drown in the Mediterranean or vegetate in camps at the edge of Europe? Is migration not rather - not only today - a primal force of God that cannot really be prevented? Is it not a matter of using this elemental force to do good to people in need and, for example, to provide Germany with the labor force it lacks?

8. آیا او واقعاً می‌خواهد عده‌ای به هزینه دیگران زندگی کنند، برای اینکه ما اینجا در «قلعه اروپا» زندگی خوبی داشته باشیم و افراد دیگری که نیازمند غرق شدن در دریای مدیترانه هستند یا در کمپ‌های حاشیه اروپا گیاه‌خواری کنند؟ آیا مهاجرت - نه فقط امروز - نیروی اولیه خدا نیست که واقعاً نمی‌توان از آن جلوگیری کرد؟ آیا استفاده از این نیروی اولیه برای انجام کارهای خیر برای افراد نیازمند و مثلاً تأمین کارگران گمشده آلمان نیست؟

9. Is it not God's will that not only in the congregation but also in the world: "Here is neither Jew nor Greek" and people from many peoples come together in one country, in one place, with equal rights? Don't do the math without God. This is what politics is also about.

9. آیا اراده خدا این نیست که نه تنها در جامعه، بلکه در جهان: «اینجا نه یهودی است و نه یونانی» و مردم از بسیاری از مردمان با حقوق مساوی در یک کشور، در یک مکان گرد هم آیند؟ بدون خدا حسابی انجام نده سیاست یعنی همین.

10. Sometimes God puts a certain overload on people, such as native Germans, as with climate change and migration. Then it is our task to accept this excessive demand from God's hand, to ask him for strength and to tackle things. And to say, as Chancellor Merkel did in 2015: with God's help, we can do it.

10. گاهی اوقات خدا فشار خاصی را بر مردم، مانند آلمانی های محلی، مانند تغییرات آب و هوایی و مهاجرت، وارد می کند. سپس وظیفه ما این است که این چالش طاقت فرسا را از دست خدا بپذیریم، از او قدرت بخواهیم و با مسائل مقابله کنیم. و همانطور که مرکل در سال 2015 گفت: با کمک خدا می توانیم این کار را انجام دهیم.

11. I sometimes notice a certain disappointment or dissatisfaction among refugees who have been living in Germany for several years. They have already achieved a lot. But they have had to cut back on many of the dreams they had at the beginning. Yes, many former refugees are working, but much of it is still difficult and the position they have achieved is often worse than they would have liked.

11. گاهی اوقات متوجه ناامیدی یا نارضایتی خاصی در میان پناهندگانی می شوم که چندین سال است در آلمان زندگی می کنند. شما قبلاً کارهای زیادی انجام داده اید. اما آنها مجبور بودند سازش های زیادی را در مورد رویاهایی که در ابتدا داشتند انجام دهند. بله، بسیاری از پناهندگان سابق کار می کنند، اما بسیاری از آنها هنوز دشوار است و موقعیتی که به دست آورده اید اغلب بدتر از آن چیزی است که می خواهید.

12. Everyday life with the family is also stressful. For some time now, many from Iran, for example, have been living in freedom and are allowed to live their Christian faith without restrictions. But somehow, once you get used to it, it doesn't feel so great anymore.

12. زندگی روزمره حتی با خانواده استرس زا است. برای مثال بسیاری از مردم ایران مدت‌هاست که در آزادی زندگی می‌کنند و اجازه دارند بدون محدودیت در دین مسیحیت زندگی کنند. اما به نوعی، زمانی که به آن عادت کنید، دیگر آنقدرها عالی به نظر نمی‌رسد.

13. I respond to this: think of the time when your love for Jesus, for God, began. You were on the run and had nothing, even nothing, to sustain your life. But Jesus was there and helped you. He sent peace to your heart and took away your fear of hell. Jesus promised you: you are a child of heaven. The time of flight is long gone, even the fears you endured then are in the past.

13. من به این پاسخ می‌دهم: به زمانی فکر کنید که عشق شما به عیسی، به خدا، آغاز شد. شما در حال فرار بودید و هیچ چیزی نداشتید و هیچ چیزی برای تضمین زندگی خود نداشتید. اما عیسی آنجا بود و به شما کمک کرد. او آرامش را در دل تو فرستاد و ترس از جهنم را از تو گرفت. عیسی به شما وعده داد: شما فرزند بهشت هستید. زمان فرار اکنون به پایان رسیده است و ترس‌هایی که در آن زمان تحمل کرده‌اید نیز متعلق به گذشته است.

14. But Jesus is also there now. Your problems are different now than back then on the run, it is no longer a matter of life or death. Now it's about how the money is enough to adjust to an ever-changing life situation alone or with your husband, wife, children. Also now, Jesus is ready day and night to listen to your prayer and to support you in your problems today.

14. اما عیسی نیز اکنون آنجاست. مشکلات شما در حال حاضر با زمانی که در حال فرار بودید متفاوت است، دیگر موضوع مرگ یا زندگی نیست. اکنون به این موضوع می پردازیم که چگونه پول کافی برای تطبیق با شرایط زندگی دائماً در حال تغییر به تنهایی یا با همسر، همسر یا فرزندان خود دارید. حتی در حال حاضر عیسی شب و روز آماده است تا به دعاهاى شما گوش دهد و از شما در مشکلات امروز شما حمایت کند

15. Come to Him with your worries and fears today, with disappointment and discontent. He will transform what burdens you. Even now you are His beloved child. Pray, and you will definitely experience small miracles. Even now, life with God, with Jesus is not boring, but an adventure. Live your faith with others in the church and you will experience that you always discover something new here.

15. امروز با نگرانی ها و ترس های خود، با ناامیدی و ناراضایتی نزد او بیایید. او آنچه را که شما را سنگین می کند تغییر خواهد داد. الان هم فرزند دلبنده او هستی. دعا کنید حتما معجزات کوچکی را تجربه خواهید کرد. حتی در حال حاضر، زندگی با خدا، با عیسی، هیچ چیز خسته کننده نیست، بلکه یک ماجراجویی است. ایمان خود را با دیگران در جامعه زندگی کنید و همیشه چیزهای جدیدی را در اینجا کشف خواهید کرد.

16. It is not being rich that makes you happy, but living with Jesus. Finding inner peace and enjoying life is possible after work. But in a deeper sense, you can only find peace, serenity and joy in life together with Jesus, with God. This is the challenge of our life: not to trust in the visible: the riches you have or want to have; the fears you feel; the disappointment you feel.

16. ثروتمند بودن نیست که شما را خوشحال می کند، بلکه زندگی با عیسی است. یافتن آرامش درونی و لذت بردن از زندگی - این کاری است که پس از پایان کارتان می توانید انجام دهید. اما در معنای عمیق تر، شما فقط می توانید صلح، آرامش و شادی را در زندگی مشترک با عیسی، با خدا بیابید. این چالش زندگی ماست: اعتماد نکردن به آنچه قابل مشاهده است: ثروتی که دارید یا می خواهید داشته باشید. ترس هایی که شما را آزار می دهند؛ ناامیدی که احساس می کنید

17. Trust with all that is invisible: the Father who guides the world, Jesus who loves me and opens the door to paradise for me, the Holy Spirit who shows me the way to go. For our life we always need the counterpart of God who loves us. Then our life will be rich, then we will manage the challenges we face, then we will find new peace and freedom. Amen!

17. با همه اینها، به نامرئی اعتماد کنید: پدری که جهان را اداره می کند، عیسی که مرا دوست دارد و در بهشت را به روی من می گشاید، روح القدسی که راهی را که می توانم طی کنم به من نشان می دهد. برای زندگی ما همیشه به حضور خدایی نیاز داریم که ما را دوست دارد. سپس زندگی ما غنی می شود، سپس بر چالش هایی که با آن روبرو هستیم غلبه می کنیم، سپس آرامش و آزادی جدیدی پیدا می کنیم. آمین.